

مردان راست قامت



شیخ رجبعلی خیاط به همراه شیخ حسن تزودی در امامزاده صالح تهران نشسته بودند که جناب شیخ می گوید: « یَا لَیْتَنِي كُنْتُ مَعَكَ فَأَفُوزُ مَعَكَ فَوْزاً عَظِيماً؛ حسین جان! ای کاش روز عاشورا در کربلا بودم و در رکاب شما به شهادت می رسیدم.

وقتی اینگونه آرزو می کند، می بینند هوا ابری شد و یک تکه ابر بالای سر آنها قرارگرفت و شروع کرد به باریدن تگرگ. شیخ رجبعلی خیاط فرار می کند و به امامزاده پناه می برد. وقتی بارش تگرگ تمام می شود، شیخ از امامزاده بیرون می آید و برایش مکاشفه زیبایی رخ می دهد.

او امام حسین (علیه السلام) را زیارت می کند و حضرت به او می فرمایند: شیخ رجبعلی! روز عاشورا مثل این تگرگ تیر به جانب من و یارانم می بارید؛ ولی هیچ کدام جا خالی نکردند و در برابر تیرها مقاوم و راست قامت ایستادند، دیدی که چگونه از دست این تگرگ ها فرار کردی. مگر می شود هر کس ادعای عشق والا را داشته باشد؟

برگرفته از کتاب طوبای کربلا

ماهنامه مشکات جمعه اول هر ماه پس از نماز جماعت مغرب و عشاء توزیع می گردد.

- برگزاری مراسم عزای حسینی در مسجد صاحب الزمان (عج) - ۴ لغایت ۱۳ آبان
- تاسوعای حسینی - ۱۲ آبان
- عاشورای حسینی - ۱۳ آبان
- شهادت حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) - ۱۵ آبان

روزهای پنجشنبه

تهیه و تنظیم:

واحد فرهنگ کانون بقیة الله - مسجد صاحب الزمان (عج) رضی آباد پایین

SMS: ۵۰۰۰۲۹۱۷۵۰

www.shr-baghiyatolah.ir

عزیزانی که مایل به همکاری می باشند مطالب خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

E-Mail: Mahname.meshkat@yahoo.com

مشکات

شماره ۱۹

آبان ۹۳

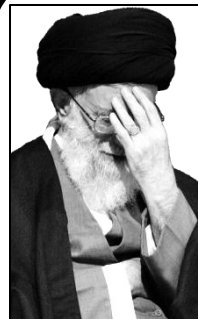
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى آبَائِهِمُ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى إِخْوَانِهِمُ الْحُسَيْنِ

یا حسین

یا ابوالفضل
العباس



درس ها و عبرتهاک عاشورا



حادثه عظیم عاشورا از دو جهت قابل تأمل و تدبّر است، جهت اول، درسهای عاشورا است. عاشورا پیامها و درسهایی دارد. عاشورا درس می دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس می دهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. درس می دهد که در میدان نبرد حق و باطل، کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، امام و رعیت و ... با هم در یک صف قرار می گیرند. درس می دهد که جبهه دشمن باهمه تواناییهای ظاهری، بسیار آسیب پذیر است. (همچنان که جبهه بنی امیه، به وسیله کاروان اسیران عاشورا در کوفه آسیب دید، در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید، و بالأخره هم این ماجرا، به فتنای جبهه سفیانی منتهی شد.) درس می دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی بصیرت ها فریب می خورند. بی بصیرت ها در جبهه باطل قرار می گیرند؛ بدون اینکه خود بدانند. همچنان که در جبهه ابن زیاد، کسانی بودند که از فساق و فجّار نبودند، ولی از بی بصیرتها بودند. اینها درسهای عاشورا است. جهت دوم «عبرتهای عاشورا» است. غیر از درس، عاشورا یک صحنه عبرت است. انسان باید به این صحنه نگاه کند، تا عبرت بگیرد. یعنی چه، عبرت بگیرد؟ یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و در چه وضعیتی است؛ چه چیزی او را تهدید می کند؛ چه چیزی برای او لازم است؟ این را می گویند «عبرت». اولین عبرتی که در قضیه عاشورا ما را به خود متوجّه می کند، این است که ببینیم چه شد که پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر ﷺ، جامعه اسلامی به آن حدّی رسید که کسی مثل امام حسین (علیه السلام)، ناچار شد برای نجات جامعه اسلامی، چنین فداکاری (عظیمی) بکند؟ ... ما امروز یک جامعه اسلامی هستیم. باید ببینیم آن جامعه اسلامی، چه آفتی پیدا کرد که کارش به یزید رسید؟ چه شد که بیست سال بعد از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، در همان شهری که او حکومت می کرد، سرهای پسرانش را بر نیزه کردند و در آن شهر گرداندند؟!

بیانات مقام معظم رهبری در ۲۲ تیرماه سال ۱۳۷۱

وقتی شیطان سوارک می گیرد



به شیطان گفتم: «لعنت بر شیطان!» لبخند زد.
 پرسیدم: «چرا می خندی؟»
 پاسخ داد: «از حماقت تو خنده ام می گیرد.»
 پرسیدم: «مگر چه کرده ام؟»
 گفت: «مرا لعنت می کنی در حالی که هیچ بدی در حق تو نکرده ام.»
 با تعجب پرسیدم: «پس چرا زمین می خورم؟!»
 جواب داد: «نفس تو مانند اسبی است که آن را رام نکرده ای. نفس تو هنوز وحشی است؛ تو را زمین می زند.»
 پرسیدم: «پس تو چه کاره ای؟»
 پاسخ داد: «هر وقت سواری آموختی، برای رم دادن اسب تو خواهم آمد؛ فعلاً برو سواری بیاموز.»

شبکه تخصصی قرآن تبیان

مواظب باشید

مواظب باشید پای تان را کجا بر زمین می گذارید
 اکنون مین هایی از جنس دیگر در کمین شماست
 مین های جنگ سخت (Hard War) پای جسمتان را قطع می کند
 اما مین های جنگ نرم (Soft War) پر پرواز روحتان را...

! DANGER

گوشه‌ها از وصیتنامه شهید محمود کاوه

دشمن باید بداند و این تجربه را کسب کرده باشد که هر توطئه‌ای را که علیه انقلاب طرح‌ریزی کند، امت بیدار و آگاه با پیروی از رهبر عزیز، آن را خنثی خواهد کرد. آینده جنگ هم کاملاً روشن است که پیروزی نصیب رزمندگان اسلام خواهد شد و هیچگاه ما نخواهیم گذاشت که خون شهیدانمان هدر رود.

شهید کاوه در کردستان

کاوه در این منطقه برای مبارزه با ضدانقلاب شب و روز نداشت و به دلیل تلاش بسیار زیاد، جدیت و پشتکار، شجاعت و روحیه شجاعت‌طلبی که داشت، در مدت کوتاهی و با ناباوری همگان مناطق بسیاری را آزاد کرد. کاوه و هم‌زمانش با عملیات پی در پی، مزدوران استکبار را در منطقه منفعل و مستأصل کرده بودند تا جایی که ضدانقلاب در اوج استیصال و درماندگی برای زنده یا مرده او جایزه تعیین کرده بود.

خاطره از شهید محمود کاوه

یکی از بچه‌ها به شوخی پتویش را پرت کرد طرفم. اسلحه از دوشم افتاد و خورد توی سر کاوه. کم مانده بود سکنه کنم؛ سر محمود شکسته بود و داشت خون می‌آمد. با خودم گفتم: الان است که یک برخورد ناجوری با من بکند. چون خودم را بی‌تقصیر می‌دانستم، آماده شدم که اگر حرفی، چیزی گفت، جوابش را بدهم. کاملاً خلاف انتظارم عمل کرد؛ یک دستمال از تو جیبش در آورد، گذاشت رو زخم سرش و بعد از سالن رفت بیرون. این برخورد از صد تا توگوشی برایم سخت‌تر بود. دنبالش دویدم. در حالی که دلم می‌سوخت، با ناراحتی گفتم: آخه یه حرفی بزن، چیزی بگو، همانطور که می‌خندید گفت: مگه چی شده؟ گفتم: من زدم سرت رو شکستم، تو حتی نگاه نکردی ببینی کار کی بوده همان طور که خون‌ها را پاک می‌کرد، گفت: این جا کردستانه، از این خون‌ها باید ریخته بشه، این که چیزی نیست. چنان مرا شیفته خودش کرد که بعدها اگر می‌گفت: بمیر، می‌مردم.

روی مزار این شهید بزرگوار نوشته شده: «محمود کاوه، موقع انقلاب شاگرد ما بود، ولی

حالا استاد ما شده. (آیت ا... خامنه‌ای)»

برگرفته از سایت آوینی



نسخه‌ها نجات بخش

همه آنچه شنیده‌ای را به مردم بازگو نکن که همین برای دروغ‌گویی کافی است. هر آن چه از مردم می‌شنوی تکذیب نکن که همین برای نادانی کافی است. از هم‌نشینی با افراد سست رأی و بدکردار بپرهیز که هم‌نشینی با هم‌نشین شناخته می‌شود. از مکان‌هایی که محل غفلت و ستم است و یکدیگر را برای طاعت خداوند کم‌تر کمک می‌کنند بپرهیز.

به افراد پایین‌تر از خود زیاد توجه کن که از راه‌های شکر‌گذاری است.

از خشم بپرهیز که سپاهی عظیم از سپاه ابلیس است.

نهج البلاغه، نامه ۶۹

برپایه حق

حق اگر به سود کسی اجرا شود، ناگزیر به زیان او نیز روزی به کار رود، و چون به زیان کسی اجراء شود روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت.

نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶

گستره حرم امام حسین (علیه السلام)

پسر علامه امینی آقا هادی تعریف می‌کند: آرزویم بود که یک شب خواب پدرم علامه امینی را ببینم. بعد از چهار سال خواب بابام علامه امینی را دیدم، دیدم عجب عظمتی پیدا کرده. به بابام گفتم بابا چه چیز اونجا باعث سعادتت؟ فرمود پسرم هادی واضح‌تر بگو بابا. گفتم بابا چه چیز باعث شد که شما در آن سرا، به این عظمت رسیدی؟ کتاب الغدیرتان؟ فرمود نه بابا، تاسیس کتابخانه امیر المؤمنین؟ فرمود نه بابا، زیارت امام حسین (علیه السلام) من را به اینجا رساند. گفتم: بابا راه کربلا بسته است مردم از این فیض بزرگ محرومند نمی‌توانند به این فیض نائل شوند. فرمود: پسرم هر گوشه‌ای هر جایی چراغی بنام حسین (علیه السلام) روشن شد همانجا حرم امام حسین (علیه السلام) است. برگرفته از کتاب کرامات و حکایات عاشقان خدا، جبرئیل حاجی زاده



ذکر ساعت حرم امام حسین علیه السلام

آقا نجفی قوچانی می گوید: از نجف برای زیارت امام حسین علیه السلام به سمت کربلا حرکت کردم، نزدیک کربلا که رسیدم دیدم تشنگی بر من غالب شده است، دوان دوان آمدم تا خود را به آب برسانم، یک مرتبه چشمم به گنبد و بارگاه امام حسین علیه السلام افتاد و چنان نشاطی وجودم را فرا گرفت که تشنگی فراموشم شد. آمدم با گریه و سوز و گداز در صحن امام حسین علیه السلام نشستم، دیدم ساعت صحن شروع کرد به زدن، در عالم مکاشفه خواستم بفهمم چه می گوید، شنیدم ده مرتبه با صدای ظریف و لطیفی می گوید: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُونِي؟» آیا کسی هست مرا یاری کند؟ با خود گفتم: ببینم چه کسی به این درخواست جواب می دهد؟ ناگهان دیدم ساعت حرم حضرت عباس علیه السلام شروع کرد به زدن. گوش دادم، دیدم ده مرتبه گفت: «لیبیک، لیبیک»^۱.

در جوار امام حسین علیه السلام

از استاد اکبر محقق بهبهانی نقل است که فرمود: حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را در خواب دیدم، به ایشان عرض کردم: ای سید و مولای من! آیا از کسی که در جوار شما دفن شده است سؤال می کنند؟ فرمودند: کدام ملك جرئت می کند از او سؤال کند؟!^۲

گل ها که امام حسین علیه السلام

سیدعباس حسینی می فرماید: یک آقایی در تهران خیلی ریخت و پاش داشت و هرشب غذای عالی به عزاداران امام حسین علیه السلام می داد. یک باغچه ی کوچکی هم در منزلش داشت. یک شب، چندتا بچه، از نرده ها بالا رفتند و چندتا گل چیدند و تعدادی از گل ها را هم لگد مال کردند. صاحب خانه ناراحت شد و بچه ها را به خاطر این کار دعوا کرد. فردا که آمدم، دیدم نرده وجود ندارد و صاحب خانه می گوید: بچه ها بروید گل بچینید و گلها را لگد مال کنید! گفتیم: آقا! چه شده؟ برخورد امشب شما با برخورد دیشب تان خیلی تفاوت دارد. گفت: آقا سیدعباس! دیشب که خوابیدم امام حسین علیه السلام را در عالم رؤیا زیارت کردم، حضرت فرمود: فلانی! برای چند شاخه گل با بچه هایی که به خاطر من به عزاداری آمده بودند دعوا کردی! آیا گل های تو عزیزتر از گل های من بودند که در کربلا پریپر شدند؟!^۳

^۱ و ^۲ برگرفته از کتاب طوبای کربلا

آیا دست بر سر گذاشتن هنگام شنیدن نام حضرت مهدی عج

ریشه روایه دارد یا نه؟

بله، ریشه مذهبی دارد و بدان سفارش شده است، چنانکه در روایتی نقل شده: وقتی نام «قائم» در مجلس امام رضا علیه السلام برده شد، آن حضرت از جای برخاست و دو دست مبارکش را روی سرش گذاشت و فرمود:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ؛ خداوند! در فرجش شتاب کن و راه ظهور و نهضتش را آسان گردان. الزام الناصب ج ۱ ص ۲۷۱ - منتخب الاثر ص ۵۰۵ - مناقب آل ابی طالب ج ۴ ص ۳۳۹ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۰ این فعل امام علیه السلام سندی است بر این تکلیف و وظیفه، گرچه وجوب آن معلوم نیست، ولی سزاوار است به جهت تعظیم و احترام، این سنت ائمه علیهم السلام حفظ شود.

آیا هر کسی ظهور حضرت مهدی عج را انکار کند کافر است یا نه؟

از آنجا که آنحضرت از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان فاطمه علیها السلام است.^۱ و انکار او و ظهورش مستلزم انکار نبوت و رد سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره او خواهد بود، انکار آن بزرگوار موجب کفر می شود، همانطور که جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که:

مَنْ أَنْكَرَ الْخُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ؛ هر کس خروج حضرت مهدی عج را انکار نماید کافر است.

امامت و مهدویت ج ۲ ص ۳۱۵ - لسان المیزان ج ۵ ص ۱۳۰ - مهدی کیست ص ۴۹

و همچنین ابوجعفر اسکاف نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ؛ کسی که مهدی را تکذیب کند کافر شده است.

عقد الدرر فی الاخبار المنتظر ص ۱۵۷

لذا محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند:

اگر خبر غیبت صاحب الامر به شما رسید منکر آن نشوید.

اصول کافی ج ۲ ص ۱۳۷

۱- مسند احمد ج ۱ ص ۸۴

۲- القول المختصر ص ۹۶

برگرفته از کتاب گلبرگ های مهدوی، ص ۹۷ و ۱۸۲

